



دیونیسوس و ایران شهر

گزارشی درباره‌ی یک بشقاب ساسانی

آن گونتر و پل جت

گردانش پویا غلامی



fold-era.com



بشقاب یا دوری ساسانی^۱

دیرینگی: سده‌ی ۵ تا ۷ میلادی

از جنس نقره؛ طلاکاری شده؛ چکش کاری و قلم زنی، حکاکی شده، زراندود

ارتفاع: ۴.۱ سانتی متر

قطر لبه: ۲۱.۹ سانتی متر

وزن: ۸۴۱ گرم

گالری هنر فریر، شماره‌ی ثبت: ۶۴.۱۰

خریداری شده از م. محبوبیان، ۱۹۶۴

نمایش: در گالری فریر، از ۱۹۶۵.

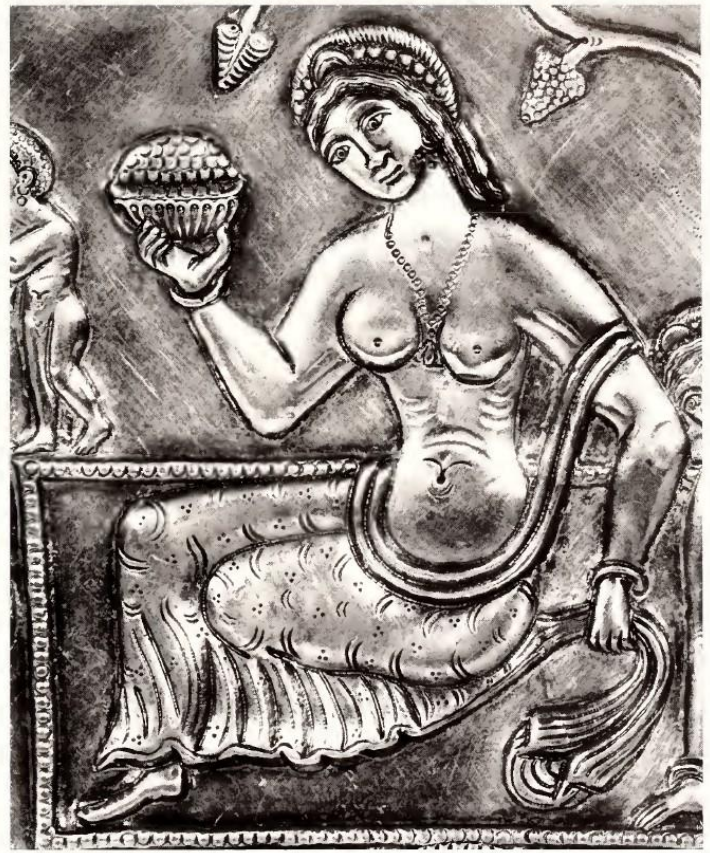
بر گرد سطح بیرونی این ظرف، درست زیر لبه، نوشته‌ای نقره شده است. بر کف ظرف، ردونشان یک حکاکی نقطه‌دار در پایه‌ی گرد آن دیده می‌شود. سطح داخلی اثر با فیگورهایی به صورت نقش برجسته تزئین شده و پس زمینه سراسر زراندود گشته است. دیونیسوس نشسته در مرکز اثر پدیدار می‌شود و حالت نشان‌دادنش به صورت رو به جلو اندکی ناجور یا زمخت به نظر می‌رسد؛ او کاسه‌ای خیاره‌دار [قاشقی تراش] در دست راست و لبه‌ی پارچه‌ای را به دست چپ دارد. نیم‌ته‌ی بالایی او برهنه است، پارچه‌ای پاهایش را می‌پوشاند؛ زیورآلاتش شامل این‌هاست: دیهیم، گوش‌واره‌ها، انگوها [دستبندها]، و گردنبندی با یک آویز در انتها. آریادنه نیز برهنه دیده می‌شود، و تنها پارچه‌ای پاهایش را پوشانده است. او نیز دیهیم بر سر دارد، و الگو و گردنبند. هردوی این فیگورها در چارچوبی مستطیل شکل نشسته‌اند که با برجسته کاری منجوق‌دار یا مهره‌دار بسته شده است، و نشانگر ارا به یا گردونه‌ی دیونیسوس است. هراکلیس ایستاده، از دیدرس نیم‌رخ یا سه‌رخ، این صحنه را در سمت راست قاب‌بندی می‌کند؛ او گرز و پوست شیر به همراه دارد. در پشت سر هراکلیس، درخت تاقی [انگور یا زژ] از زمین رسته و تا لبه‌ی فرازین و گرداگرد فیگور دیونیسوس برکشیده، و کمایش در پایان شاخسار زژ پرنده‌ای آرام گرفته. در پایین قاب مستطیلی، دو فیگور بالدار کوچک در دو سوی یک چرخ هشت‌پر زانو زده‌اند که گردونه‌ی دیونیسوس بر آن سوار شده است.

در سمت چپ بالا، فیگور برهنه‌ی کوچکی دیده می‌شود که تنگ نقش‌دار به دستی و تازیانه‌ای به دست دگر دارد؛ سر دیگر تازیانه را فیگور بالدار و پران دیگری در بالا سمت چپ به دست گرفته. در سمت چپ گردونه دو فیگور زن به سمت چپ می‌روند؛ آنها جامه‌های آستین‌بلند و نوعی شلوار شل و رها به تن دارند، بر سرها و شانه‌هایشان روسری دیده می‌شود. در حاشیه‌ی پایین این اثر، یک یوز یا پلنگ از یک تنگ می‌نوشد. خنیاگری در سمت چپ سازی شبیه بربط می‌نوازد؛ فیگور نوازنده‌ی سمت راست نیز طبل می‌زند.

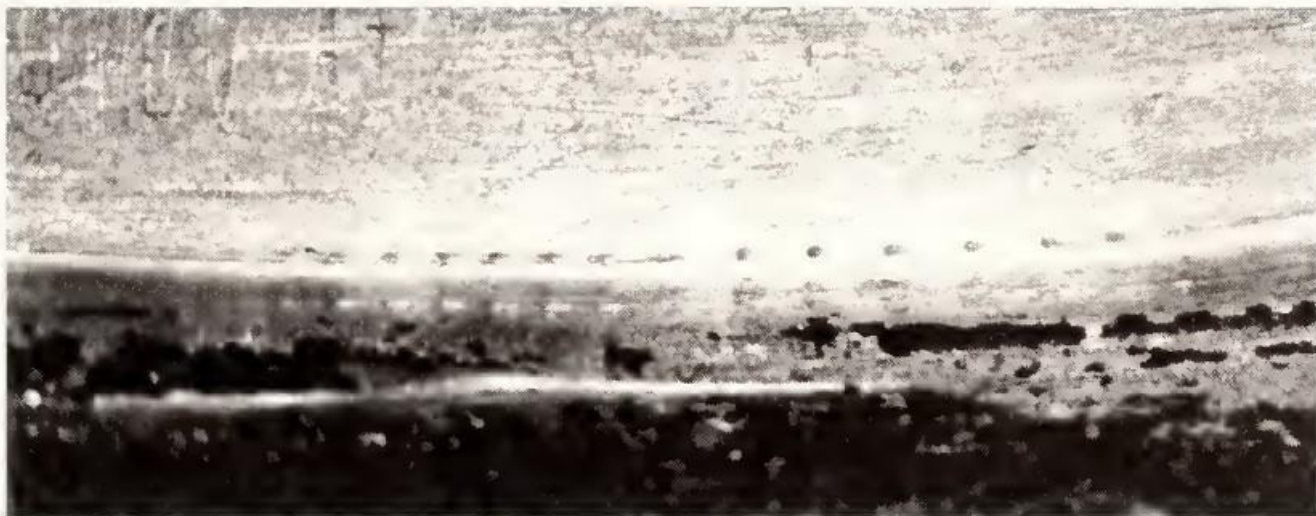
این بشقاب، سینی یا دوری از نخستین ظرف‌های سیمین یا نقره‌ای دوران ساسانی بود که در مطالعه‌ی نوآورانه که در ۱۹۶۸ منتشر شد با جزئیات از منظر فنی بررسی شد. [۱] این اثر به خاطر کیفیت بالا و موضوع نامتعارفی که در تزئین درونی‌اش دارد یک نمونه‌ی مهم باقی می‌ماند، و البته موضوع منقوش بر رویه‌ی درونی این اثر را می‌توان با چند اثر بازمانده‌ی دیگر از روزگار باستان دقیقاً پیوند داد. موضوع تصویر شده در این اثر صحنه‌ی پیروزی دیونیسوس است، و شمایل‌نگاری خاص آن را می‌توان در سنگ‌های قیمتی و دیگر هنرهای خرد امپراتوری روم [چون جواهرسازی یا زرگری و دیگرها] نیز ردیابی کرد. صحنه‌ای با همین موضوع بر موزاییک‌ها و پارچه‌هایی پیداشده از سوریه، قبرس، و مصر نیز نقش بسته است. [۲] نقش بستن این مضمون بر ظروف سیمین ساسانی را می‌توان در سه بشقاب بازمانده از آن روزگار یافت، که نمونه‌ی گالری فریر شاید متاخرترین یا واپسین‌شان باشد.

^۱ برای دیدن جزئیات بیشتر تصویری و نیز شرحی کوتاه از کارشناسان «اسمیتسنین» بنگرید به نشانی زیر (محل نگهداری کنونی این اثر):

https://www.si.edu/object/plate:fsg_F1964.10







تصویر یک. عکس میکروسکوپی از ردیف نقطه‌های حک شده در درزگاه پایه و بدنه



کهن‌ترین ظرف از این دست نخستین ظرفی نیز بود که در میان پژوهشگران مدرن پرآوازه شد؛ بشقاب سیمین، محفوظ در دیرین‌کده‌ی بریتانیا در لندن، که پیشینه‌ی جدیدش را به شمال هند رسانده‌اند، و تصویر آن توسط ا. م. دالتن، همراه با بحثی درباره‌ی مضمون و پیش‌الگوهای رومی‌اش منتشر شده است. [۳] در ۱۹۵۳ بشقاب سیمین دیگری که همین مضمون را به تصویر کشیده در نزدیکی آلکینو یوفیم در کوهساران اورال روسیه پیدا شد؛ این بشقاب اینک در باستان‌خانه‌ی تاریخی مسکو جای دارد. [۴] بشقاب سوم را گالری فریر در ۱۹۶۴ بدون هیچ اطلاعاتی درباره‌ی پیشینه‌ی آن به دست آورد.

شمایل‌نگاری بشقاب‌های ساسانی به پیش‌الگوهای رومی و بیزانسی نزدیک می‌شود و پیروزی ایزد دیونیسوس را به تصویر می‌کشد. [۵] بشقاب باستان‌خانه‌ی بریتانیا، که احتمالاً دیرینگی‌اش به سده‌ی سوم میلادی برمی‌گردد، از نظر سبک و ترکیب‌بندی بیشترین نزدیکی را با تصویرگری‌های رومی دارد. به تصویرگری‌ای سنتی دیونیسوس و آریادنه در گردونه‌ای که توسط فیگورهای بالدار کشیده می‌شود، عناصر جدیدی افزوده شده‌اند، از جمله فیگور هراکلس و یوزنوشنده از یک تنگ. بشقاب‌های مسکو و فریر، که از لحاظ ترکیب‌بندی شکلی یا فیگورال تقریباً همانند هستند، به آن طراحی بسیار نزدیک می‌شوند که برای بشقاب باستان‌خانه‌ی بریتانیا به کار رفته است. تفاوت‌های دو بشقاب سپسین همانا دو میناد [زنان باده‌گسار ملازم دیونیسوس که در جشن‌های ارژیاستیک آیینی‌اش شرکت می‌کردند] است که به جای دو فیگور بالدار آمده و گردونه‌ی ایزد را می‌کشند، نیز اندازه‌ی بزرگتر فیگور آریادنه، و یک فیگور بالدار دوم نزدیک چرخ، و دو نوازنده‌ای که در حاشیه‌ی ظرف در دو سوی یوز یا پلنگ قرار دارند. در بشقاب‌های مسکو و فریر، فیگور کوچک در بالا سمت چپ که تنگی به دست دارد بدون بال است. در هر دو نمونه، دیونیسوس نشسته است، به چیزی تکیه نداده یا خم نشده، و در شکلی آشکارا زنانه نشان داده شده است. در واقع، دیونیسوس و آریادنه به طرزی مشابه سرپوش یا کلاه یا گیسوپوش بر سر نهاده و زیورپوش شده‌اند. [۶] بشقاب‌های فریر و مسکو از حیث ترکیب‌بندی تقریباً یکسان‌اند و از لحاظ سبک نیز - نه یکسان - بلکه به هم شبیه‌اند. بر بشقاب مسکو، صور گیاهی حاشیه‌ی اثر در دو سوی دو خنیاگر یا نوازنده قرار دارند، خصیصه‌ای که در بشقاب فریر دیده نمی‌شود. نمایش آرایش موها در این دو بشقاب با هم فرق دارند، و رخسارهای دیونیسوس و آریادنه در بشقاب مسکو کشیده‌تر و سبک‌مندتر هستند. سرانجام، بر بشقاب مسکو جامه‌ی دیونیسوس با نقش‌ونگار سواستیکا یا چلیپایی‌ترین شده که در بستار یک قاب‌بندی آذینی ریسمانی قرار دارد.

بشقاب فریر در چند ویژگی با بشقاب‌های منقش به صحنه‌ی شکار که در زمهری گروه کانونی ظروف ساسانی‌اند اشتراک دارد. سطح بیرونی این بشقاب صاف و هموار است، با خطی حک شده در گرد پیرامون درست زیر لبه. تزئین سطح درونی با چکش‌کاری و کنده‌کاری بر سطح پس‌زمینه‌ی زراندود پدید آمده و جزئیاتی ناشی از حکاکی دارد. میناها [زنان باده‌گسار ملازم دیونیسوس] در بشقاب فریر پوشاکی به تن دارند که تزئین پارچه‌شان، با نقش‌هایی شامل نقوش سه‌نقطه و دو خط جفت، نمونه‌ی همیشگی پوشاک زنان در بشقاب‌های ساسانی است. میناها روسری بر سرشان دارند، با ژستی که در میان فیگورهای زنان رقصنده بر جام‌های سیمین ساسانی نیز دیده می‌شود. [۷] مضمون یوزنوشنده از تنگ نیز مانده‌ای در ظرف‌های دوره‌ی ساسانی دارد (بنگرید، برای نمونه به ظرف سیمین زراندود [شماره ۳۳]). با این حال، ویژگی‌های سبکی اصلی طرح دیونیسوس و آریادنه - مانند خمش سرها، شانه‌های خم، سینه‌ی فراخ با پستان‌های گوی‌سان، میان‌ها یا کمرهای باریک، و کفل‌های بالیده - احتمالاً از تاثیر هنر جنوب آسیا خبر می‌دهد. برای مثال، مقایسه‌ی این ویژگی‌ها با آثار عاج بگرام چنان شباهت‌هایی را نشان می‌دهد. [۸] زنان رقصنده با فرم‌های مرتبط، گرچه به طرزی آشکارتر به سبک‌های تصویرگری هندی پیوند می‌یابند، لیک بر یک کاسه‌ی بیضوی لبه‌دار سیمین ساسانی پیداشده در پرم نیز به تصویر کشیده شده‌اند که اینک در دیرین‌کده‌ی هرمیتاژ سنت‌پترزبورگ نگهداری می‌شود. [۹]

از آنجاکه بشقاب فریر با چنان مضمون نامتعارفی نقشین شده، و از آنجاکه به طرزی نامتعارف و امدار عناصر شمایل‌نگارانه و سبک‌پردازانه‌ی هم خاور و هم باختر است، به سختی می‌توان دیرینگی‌اش را تعیین کرد. سطح پس‌زمینه‌ی زراندود، سبک پوشاک، و تاثیر سنت‌های هنری آسیای جنوبی و آسیای میانه، همگی از دوره‌ی متاخر روزگار ساسانی خبر می‌دهند، کمابیش حدود سده‌های ۵ تا ۷ میلادی. بشقاب فریر شاید کمابیش معاصر با یک ظرف سیمین بیزانسی باشد که تصویرگر همین مضمون است، ظرفی احتمالاً ساخته‌ی کنستانتینوپل، در مجموعه‌ی Dumbarton Oaks، در واشینگتن دی.سی. [۱۰]

پیروی تنگاتنگ بشقاب‌های محفوظ در مسکو و فریر از طراحی بشقاب محفوظ در باستان‌خانه‌ی بریتانیا، که دیرینگی‌اش به دوره‌ای بسیار کهن‌تر از آن دو می‌رسد، پرسش‌هایی جالب درباره‌ی فوت‌وفن تولید، و از جمله نحوه‌ی انتقال نقش‌ونگارها یا طراحی‌ها از نخستین بشقاب به آن دو دیگر را پدید می‌آورد.

بحث فنی

گزارش فنی مفصلی درباره‌ی این بشقاب پیش از این منتشر شده است. [۱۱] مطالعات فلزشناختی و پرتونگاری نشان می‌دهند که بدنه‌ی این اثر چکش‌کاری شده بوده. بدنه‌ی اثر در مرکز ستبرتر است و در فاصله‌ی مرکز و لبه پیوسته نازک‌تر می‌شود تا اینکه دیگر بار در لبه ستبرتر می‌گردد. سطح درونی لبه گرد است و اندازه‌اش در پهن‌ترین نقطه به کمی بیش از ۳ میلی‌متر می‌رسد. بخش‌هایی از پس‌زمینه از حیث ستبری از هم متفاوت‌اند لیک اندازه در جاهایی نزدیک لبه تا ۰.۶ میلی‌متر نازک می‌شود، در حالیکه بخش‌های هم‌جوارش که طرح برجسته‌کاری شده دارند دوبرابر ستبرترند.

ماهیت پایه‌ی اثر طرز فراوری و ساخت آن هنوز به‌روشنی شناخته نشده‌اند. از خلال پرتونگاری یا از طریق بررسی‌های دیداری، نمی‌توان هیچ نقطه‌ی الصاق یا جوشی را نمی‌توان در محل جفت‌شدگی یا درز پایه و بدنه مشاهده کرد. یک نظریه این است که بدنه و پایه یکپارچه‌اند و باید یک قطعه به شمار آیند، قطعه‌ای که احتمالاً قالب‌گیری شده و سپس شدیداً چکش‌کاری شده تا شکل بدنه و پایه از کار در آورده شود. [۱۲] یک پیشنهاد بدیل این است که پایه‌ی دایروی اثر شاید قطعه‌ای جدا بوده که در مجرای حلقوی جای داده شده و سپس انتهای بشقاب بریده شده و سپس به‌وسیله‌ی چکش‌کاری فلز بدنه به اندرون فلز پایه‌ی مدور در راستای درزشان محکم شده. [۱۳] آزمایش پرتونگاری گواهِ روشنی در پشتیبانی از هیچکدام از این احتمال‌ها نشان نداد، اما به نظر می‌رسد که برخی ویژگی‌های میکروسکوپی یا بسیار ریز این اثر به روش شکل‌دهی به پایه مربوطند. شکاف‌های کوچکی در راستای لبه وجود دارند آنجا که بدنه به پایه می‌رسد. این شکاف‌ها شاید صرفاً خراش‌های عمقی باشند اما یکجور خط اتصال یا جای درز به‌نظر می‌رسند. مورد جالب‌تر ردیفی از اثرهای سوراخ‌کردن یا ضربه‌زدن در فواصل برابر است که در انتهای راستایی که بدنه به نزدیکی پایه می‌رسد قرار دارند (تصویر شماره ۱).

این ویژگی را در یک طرف سیمین دیگر نیز یافته‌اند. [۵] احتمالاً همین خط است که جای درز پایه‌ی مدور و بدنه را رسم می‌کند. آنچه که خراش‌های تمام‌کننده‌ی به نظر می‌رسد نیز از پی همین درز می‌رود. ساختار شدیداً کارشده‌ی این اثر فلزی، که در سطح [میکروسکوپی] مقطع فلزنگارانه آشکار است، خلاف این ایده را به دست می‌دهد که این طرف شکل‌دهی شد و سپس با ابزارکاری عمل آمد. و هرچند ترکیب [مواد سازنده‌ی] پایه و بدنه کاملاً همسان است، اما این دلیل نمی‌شود که آنها یک قطعه فلز هستند. بشقاب شاپور در فریر [۱۳] نیز شباهت زیادی از حیث ترکیب [مواد سازنده] میان پایه و بدنه را نشان می‌دهد، لیک آن دو بخش آشکارا به همدیگر جوش داده شده‌اند. این گواهِ بی‌چون‌وچرا نیست، بل اشاره دارد به اینکه پایه و بدنه در این بشقاب [۱۶] قطعانی جدا هستند که بدون استفاده از صور جوش یا لحیم به همدیگر وصل شده‌اند.

در پایه‌ی مدور، در سطح کف بشقاب، یک نقطه‌ی مرکزی و دو خط حلقوی دیده می‌شوند. به نظر می‌رسد خط‌ها با برش یا قلم‌زنی ایجاد شده‌اند. درون پایه‌ی گرد جای سوراخ یا کوبش‌های ملایمی نیز دیده می‌شود که بخشی از یک نوشته را می‌سازند.

بخش‌های نقش برجسته با کنده‌کاری ایجاد شده‌اند. گواهِ این فن در راستای لبه‌های بخش‌های برجسته‌کاری دیده می‌شود آنجا که برآمدگی‌های خطی وجود دارند، که آشکارا با اسکنه‌کاری در فلز پیرامونی کنده شده‌اند.

جزئیات طراحی حاصل کنده‌کاری یا نقش‌زنی‌اند. آنجا که نشان‌های مختلف ناشی از ابزارکاری همپوشانی دارند، و توالی یا ترتیب ابزارکاری را می‌توان تعیین کرد. به نظر می‌رسد که پرتکرارترین مورد یعنی کنده‌کاری خطی در ابتدا به کار رفته است، خصوصاً در راستای طرح کلی بخش‌های نقش برجسته. هرچند در مواردی، آنجا که سوراخ‌کاری دایره‌ای اعمال شده، ابزارکاری طرح‌ها با لبه‌های سوراخ‌کاری دایروی همپوشانی دارد و شاید هم بعداً افزوده شده باشد تا طرح را تقویت کند. جزئیات نقش‌پردازی در آخر کار به‌صورت دسته‌هایی از نشان‌های دایره‌ای ضربه‌ها ظاهر می‌شوند که بر پوشاک فیگورها به کار رفته‌اند.

هیچ تحلیلی درباره‌ی زراندودسازی انجام نشده، اما این فرایند زراندودسازی همه‌ی ویژگی‌های بصری زراندودسازی آمیزه یا آلیاژ را دارد، همچون ساختار خمیرشکل دانه‌مانند در تورفتگی‌ها یا گوشه‌کنارهای جاهایی که ضربه‌ی ابزار خورده و بخش‌هایی که به برجستگی نقش برجسته می‌رسند آنجا که آمیزه‌ی مایع زراندودسازی طی فرایند گرمادهی جاری می‌شود تا سیماب را بزداید.

ردونشان‌های پوسیدگی یا خوردگی مس و بخش‌های کدرشده یا از جلاافتاده بر سطح اثر دیده می‌شوند. حدود نیمی از سطح پشتی اثر یک لایه‌ی خشکیده یا پوسته‌شده دارد. ردونشان‌های نامحسوسی از نقش یا الگویی منسوج در آن فرسایش یا خوردگی و پوسته‌شدگی یافت شده‌اند.

یادداشت‌ها

۱. Chase ۱۹۶۸, ۸۵-۹۰.

۲. Auge and L inanl de Bellefonds ۱۹۸۶:۲۶-۲۷; also Lenzen ۱۹۶۰, ۱--۵۸. Dionysiac imagery in Gandharan and Kushan art is treated by Francfort 1979, 19-22, 31; and Carter 1968.

۳. Dalton ۱۹۶۴, ۴۹-۵۱, no. ۱۹(۱), pi. xxvii. The plate was in Badakhshan in northeastern Afghanistan until ۱۸۲۹; it was transferred to the British Museum from the India Office in 1900.

۴. Smirnov ۱۹۵۷; also Marshak ۱۹۸۶, ۲۵۴, figs. ۱۷۴-۱۷۶.

۵. Ettinghausen ۱۹۷۲, ۴-۵, figs. ۱۱, ۱۲.

۶. Lenzen ۱۹۶۰, ۲-۴, observes that many representations of the god in Roman and Coptic art present him in a feminized form.

۷. For example, a boat-shaped bowl also depicting an enthronement scene, in the Walters Art Gallery, Baltimore: Harper and Meyers 1981, 119, pi. 36. lysis: Foot 94.

۸. Rosen ۱۹۷۴-۷۵, ۳۹-۴۸, summarizes problems of dating and interpretation and includes an extensive bibliography.

۹. Orbeli and Trever ۱۹۳۵, pi. ۵۸.

۱۰. Ross ۱۹۶۲, ۵-۷, no. ۶, pis. VI, VII. Ettinghausen ۱۹۷۲, ۴, fig. ۱۱, also cited the Dumbarton Oaks bowl in connection with the Freer plate. The bowl has been dated to the fifth or early sixth century.

۱۱. Chase ۱۹۶۸.

۱۲. Chase ۱۹۶۸.

۱۳. Pieter Meyers, jirivate communication.



Source: Ann C. Gunter and Paul Jett, *Ancient Iranian Metalwork in the Arthur M. Sackler Gallery and the Freer Gallery of Art*, published by Smithsonian Institution, 1992, 121-127.



تصویر بالا: بشقاب دیونیسوس محفوظ در مسکو؛ بشقاب یا دوری ساسانی با صحنه پردازی مشابه بشقاب فریر (مورد بحث در متن کاتالوگ)؛ سده‌ی ۵-۶ میلادی، سیمین و دارای اندود، یافته در نزدیکی ناحیه‌ی آلکینو (جنوب شرق اورال)، ارتفاع ۴ سانتی‌متر، قطر ۲۱ سانتی‌متر، نگهداری در باستان‌خانه‌ی تاریخی مسکو. به نقش سواستیکا یا چلیپا بر پارچه‌ی روی پای دیونیسوس و نیز به دو نقش گیاهی پایین (در دو سوی نوازندگان) و نیز به شمار شاخساران تاک توجه کنید. (تصویر افزوده‌ی مترجم است به متن اصلی، جهت تدقیق بیشتر.)



تصویر پایین: بشقاب دیونیسوس محفوظ در لندن؛ بشقاب یا دوری ساسانی با صحنه پردازی نزدیک به بشقاب فریر (مورد بحث در این متن کاتالوگ)؛ سده‌ی ۲ یا ۳ میلادی؛ فرهنگ اشکانی؟ یا، اوایل ساسانی؟ ساخته شده در ایران یا افغانستان؟ سیمین، زراندود. قطر (پایه) ۸ سانتی‌متر، قطر (لبه) ۲۲.۳۰ سانتی‌متر، ارتفاع ۳.۵۰ سانتی‌متر؛ نوشته یا کتیبه دارد به خط تحریری (شکسته)؛ پارتی یا آرامی، و به صورت نقطه چین به فارسی میانه (پهلوی)، به خوانش دیوید بیوار. نگهداری در باستان‌خانه‌ی بریتانیا. (تصویر رنگی همین بشقاب را در صفحه‌ی بعد آورده‌ایم.)



fold-era.com